





سلام



« اعتماد » چرا و چگونه؟

جلسه یازدهم – ۲۳ خرداد ۱۴۰۱

پرسش ۱:



انسان در چه « محیطی »
قطعاً به « خدا باوری » می رسد؟

اگر انسان با « **خودشناسی** »،

« **عقل** » خود را بیابد و به آن « **اعتماد** »،

و « **نفسانیت** » خود را با آن « **مغلوب** » کند،

در « **شرائط** و **هر محیطی** »،

قطعاً به « **خدا باوری** » می‌رسد.

پرسش ۲:



یک « نمونه واقعی » از قرآن؟

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (١١٧)

فَوَقَعَ **الْحَقُّ** وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١١٨)

فَغَلَبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا **صَاغِرِينَ** (١١٩)

وَالْقِيَ **السَّحَرَةُ** **سَاجِدِينَ** (أعراف/١٢٠)

با این « تحوّل و انقلابِ درونی »،

دیگر هیچ « تهدید، تطمیع، تحریم، تمسخر »

و « ظُلم و فساد و بدترین شرائط محیطی »،

کمترین تأثیر منفی

در انسانِ « عاقلِ مؤمن » نمی‌گذارند:

قال: أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ؟....

فَلَا قَطْعَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ

وَلَا صَلْبَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ

وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى (طه/ ٧١)

قَالُوا:

إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

(أعراف/۱۲۵)

گفتند:

ما^{۱۳} (از درون و بی‌توجه به وضع بیرون) خدای خودمان را یافتیم *

قَالُوا:

لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

(شعراء/۵۱)

گفتند: باکی نیست (زیرا در آنصورت) ما به سوی خدایِ خود باز خواهیم گشت *

ما امیدواریم که خدایمان گناهانمان را بر ما بیامزد زیرا که ما (امروز) نخستین ایمان آورندگانیم.

قَالُوا: لَنْ نُوْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا
فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (٧٢)
إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ
وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (طه/٧٣)

گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که برای ما آمده و آنکه ما را ایجاد کرده ترجیح نمی‌دهیم،
پس هر حکمی می‌خواهی بده زیرا تنها در این زندگی دنیا می‌توانی حکم کنی * ما خدایمان را باور کردیم،
تا گناهان ما و آن سحری که ما را به آن واداشتی بر ما ببخشاید و خدا بهتر و پایدارتر است.

پس « انسانِ عاقل »،

« نگاه » و « امیدِ آخرتی »،

و « زبانِ دعا » دارد،

اما هیچ « اِدْعائی » ندارد:

.... رَبَّنَا؛

أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ

(أعراف/۱۲۶)

(آن ساحرانِ تا چند لحظه قبل کافر، بدون هیچ آموزش بیرونی) گفتند:

خدایا؛ شکیبایی را بر ما بیوشان و ما را مسلمان بمیران.

پس چون « **بدیهیاتِ عقلی** »،

در هر فردی، « **حاضر و ثابت** » اند،

انسان « در هر شرائطی » می‌تواند به:

« **باورهای عقلی، تغییرناپذیر** » برسد.

«برکات» اعتماد به «عقل»:

= خدا باوری،
= اراده،
= اطمینان،
= آرامش،
= عزت،
= صلابت و صبر.

اعتماد به عقل:

«بی‌اعتمادی به عقل»

«عامل چیست؟»

قبلاً عرض شد که:

اگر انسان به «**عقل**»، «**اعتماد**» نکند،

ناچاراً باید به «**حواس**» خود «**اعتماد**»،

و به «**دنیای فانی**»، «**اطمینان**» کند:

... وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا،

وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا،

... (يونس / ٧)

پریشی ۳:



« نشانه‌های اعتماد به حواس » ؟

.... أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ... (١٠٣)

.... أُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ (١٠٥)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ **اسْتَحَبُّوا** الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ... (١٠٧)

... أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (١٠٨)

لَا جَزَاءَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ **الْخَاسِرُونَ** (نحل/١٠٩)

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ

إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ

فَيَقُولُ: رَبِّي أَكْرَمَنِ (١٥)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

فَيَقُولُ: رَبِّي أَهَانَنِ (فجر/١٦)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ

أَغْرَضَ وَ نَأَى بِجَانِبِهِ

وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ^{۱۳} كَانِ^{۱۴} يَوْسًا^{۱۵} (إسراء/۸۳)

وقتی به انسان نعمت می‌دهیم روی می‌گرداند و (از وظائفش) کنار می‌کشد

و وقتی آسیبی به او می‌رسد، (از ما و از زندگی) « ناامید » می‌شود.

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ
وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ، فَيُؤْسُ قُنُوطُ

(فصلت/ ٤٩)

انسان از « طلب خیر » خسته نمی‌شود،
اما وقتی آسیب می‌بیند مایوس و ناامید می‌شود.

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ

أَغْرَضَ وَ نَأَى بِجَانِبِهِ

وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُوْ دُعَاءٍ عَرِيضٍ (فصلت/ ۵۱)

وقتی به انسان نعمت می‌دهیم روی برمی‌تابد،

و (از تشکر و از وظائف خودداری می‌کند،

اما وقتی آسیبی به او می‌رسد، دست به دعای فراوان برمی‌دارد.

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً

ثُمَّ نَرَعْنَاهَا مِنْهُ

إِنَّهُ لَيَوُسُّ كُفُورُ (هود/۹)

اگر رحمتی را به انسان بچشانیم

سپس آن را از او بگیریم، قطعاً ناامید و ناسپاس می‌شود.

پرسش ۴:



یک « نمونه » از اعتماد به « ظواهر »؟

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

.... مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا

وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ ... (حشر/۲)

اوست که از اهل کتاب آنهایی را که کفر ورزیدند از وطنشان بیرون کرد ...

شما گمان نمی کردید که بیرون روند،

و خودشان³⁴ هم می پنداشتند که دژهایشان آنها را در برابر خدا حفظ می کند

فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا

وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ

يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر/۲)

اما خدا از آنجا که نمی‌پنداشتند بر آنها درآمد و در دلشان چنان ترس افکند که به دست خود و دست مؤمنان منازلشان را خراب می‌کردند پس ای بینایان عبرت گیرید

پرسشی ۵:



« نشانه افراد طلبکار از خدا؟ »

وَلَّيْنِ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مِّسْتَهُ
لَيَقُولَنَّ: هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً
وَلَّيْنِ رُجِعْتُ؟ إِلَى رَبِّي إِنْ لِي عِنْدَهُ لِلْحُسْنَى

.....

و اگر رحمتی را پس از زیانی که به او رسیده به او بچشانیم
قطعاً می گوید: من لایق آنم و گمان ندارم که آخرتی برپا شود (پس مسئولیتی ندارم)
و اگر³⁸ هم به نزد خدایم بازگردانده شوم باز هم نزد او شرائط خوبی دارم ...

... فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا

وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

(فصلت / ۵۰)

... پس حتماً این افرادی را که کفر ورزیدند به آنچه انجام داده‌اند آگاه می‌کنیم

و قطعاً از « مجازاتی سخت » به آنها می‌چشانیم.

پرسش ۶:



چه افرادی «**حقایق**» را
«**تکذیب**» می کنند؟

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

«فِي تَكْذِيبٍ».

(بروج/۱۹)

آن‌ها که کفر ورزیدند دائماً در تکذیب‌اند

«تکذیب» یعنی چه؟

« تَكْذِيبٌ » یعنی:

« اعتماد و اطمینان نداشتن » به:

« وعده‌هایِ » « خدا و رسول و قرآن »،

و « ناکارآمد پنداشتن نظامِ اسلامی »،

و «⁴⁴ کارآمد پنداشتن راهکارهای بشری ».

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ

نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوهُ إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ ...

وقتی به انسان آسیبی رسد، خدایش را با « توجه کامل » می خواند،
پس اگر او را نعمتی عطا کند،

آن (مصیبت قبلی) که برایش دعا می کرد را به فراموشی می سپارد

.... وَ جَعَلَ لِلّٰهِ أَنْدَاداً لِّیُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

قُلْ: تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا

إِنَّكَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ (زمر/۸)

و به جای خداوند، «عوامل» دیگری را «مؤثر» معرفی می کند،
تا خودش و دیگران را از راه حق، «گم» کند،

بگو با این «خودخواهی» اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ

وَكَذَبَ بِالصَّدَقِ إِذْ جَاءَهُ

الْأَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (زمر/۳۲)

پس کیست ستمگرتر از آنکه بر خدا دروغ بست
و سخن راست را وقتی برایش مطرح شد دروغ پنداشت؟
آیا جای کافران در جهنم نیست؟

گفتیم: از « **ثمراتِ اعتماد** به **عقل** »:

رسیدن به « **اطمینانِ قلبی** »

و نداشتنِ « **شکّ** و **تردید** »،

به « **وعده‌های الهی** » است.

پرستی ۷:



« منافق » از منظر قرآن کیست؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا

ثُمَّ كَفَرُوا

فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (منافقون/۳)

چون ایمان آورد سپس خودخواه شد و کفر ورزید و انکار کرد،

پس بر دلهایشان مهر زده شد زیرا «تفقه» نمی کنند.

فرق مهم مومن و منافق، در حسن ظن یا سوءظن به وعده‌های الهی است.
حسن ظن، به معنای « ندیدن واقعیت‌ها و ساده‌لوحی و بی‌عملی » نیست.

در جنگ احزاب که مهمترین جنگ علیه مسلمین بود،

منافقین هم ترسیدند و ترساندند.

اما مومنین، صف‌آرایی سنگین دشمن را طلیعه وعده پیروزی دانستند و برای مقاومت،
تدبیر و تدارک کردند، تا اینکه با عنایت الهی و ضربت جانانه امیر مومنان صلوات الله علیه،

جنگی که تصور می‌رفت « پرتلفات‌ترین جنگ‌ها » باشد،

« بدون درگیری » و با « کمترین خسارت » به نفع نظام اسلامی پایان یافت.

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِيظِهِمْ

لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا

وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ

وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا. (أحزاب/ ۲۵)

و خداوند اهل کفر را با خشم و بی آنکه به خیری برسند، برگرداند
و مؤمنان را از جنگ بی نیاز کرد و خداوند، همواره نیرومند شکست ناپذیر است.

نکته مهم

« منافق »،

ظاهراً « مرتد »

نیست.



رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

خدایا؛

ما را از «**شک**» و «**تردید**» و «**کفر**» برهان،
و در «**اعتماد**» به «**رسولِ باطنی**» یاری کن،
تا با «**إرادهای مؤمنانه**» به تو «**توکل**» کنیم،
و در زمینه‌سازیِ ظهورِ آخرین حجّت سهریم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ